

Submit Date: 26 October 2025

Revise Date: 23 February 2026

Accept Date: 02 March 2026

Final Publish: 19 March 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Analysis of the Role of the Principles of Unconditionality and Independence in the Enforcement of Bank Guarantees (A Case Study of the Iranian Legal System)

Madineh Jamali¹, Gholamhossein Afras^{2*}, Mohammad Afras³

1. PhD Student, Department of Private Law, Bu.C, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

2. Department of Private Law, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran

3. Department of Private Law, Dash.C, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

* Corresponding Author's Email: Gh.afras1355@iau.ac.ir

ABSTRACT

Bank guarantees, as key instruments in commercial transactions and construction projects, play an important role in securing obligations and reducing financial risks. This study aims to analyze the role of the principles of independence and unconditionality in improving the enforcement of bank guarantees within the Iranian legal system. The principal research question is: How can the principles of independence and unconditionality enhance the efficiency and transparency of bank guarantees in Iran? The research hypothesis is based on the premise that alignment with international standards, the development of digital technologies, and the reform of judicial practices can strengthen these principles and mitigate existing challenges, including sanctions and inconsistencies in judicial practice. The study employs a descriptive-analytical method and examines the issues through an analysis of judicial practices, actual cases, and a comparative assessment of advanced legal systems. The findings indicate that the principle of independence, by restricting examination to the documents presented, prevents interference with the underlying contract and reduces legal disputes, as illustrated by a case in Tehran in 2024–2025 in which the execution period was reduced to 48 hours. The principle of unconditionality likewise enhances transparency and the speed of enforcement by emphasizing unconditional terms, as demonstrated by an export guarantee issued in 2024–2025 that strengthened the confidence of the foreign beneficiary. Modern technologies, such as blockchain and artificial intelligence, reinforce these principles and reduce costs; however, the absence of legislation governing digital processes and inconsistencies in judicial practice constitute serious obstacles. The study concludes that legal reforms, judicial training, and the development of digital infrastructure can improve the efficiency of bank guarantees and strengthen Iran's position in international trade.

Keywords: bank guarantee, principle of independence, principle of unconditionality, Iranian legal system, international standards.

How to cite: Jamali, M., Afras, G., & Afras, M. (2025). Analysis of the Role of the Principles of Unconditionality and Independence in the Enforcement of Bank Guarantees (A Case Study of the Iranian Legal System). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(4), 1-22.



تاریخ ارسال: ۴ آبان ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۴ اسفند ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ: ۲۸ اسفند ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

تحلیل نقش اصل تنجیز و استقلال در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی (مطالعه موردی: نظام حقوق ایران)

مدینه جمالی^۱، غلامحسین افراس^۲، محمد افراس^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد دشتستان، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Gh.afiras1355@iau.ac.ir

چکیده

ضمانت‌نامه‌های بانکی به عنوان ابزاری کلیدی در معاملات تجاری و پروژه‌های عمرانی، نقش مهمی در تضمین تعهدات و کاهش ریسک‌های مالی ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف تحلیل نقش اصول استقلال و تنجیز در بهبود اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی در نظام حقوقی ایران انجام شده است. سوال اصلی پژوهش این است که چگونه اصول استقلال و تنجیز می‌توانند کارایی و شفافیت ضمانت‌نامه‌های بانکی را در ایران افزایش دهند؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا است که هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی، توسعه فناوری‌های دیجیتال، و اصلاح رویه‌های قضایی می‌توانند این اصول را تقویت کرده و چالش‌های موجود، مانند تحریم‌ها و ناهماهنگی‌های قضایی، را کاهش دهند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با بررسی رویه‌های قضایی، پرونده‌های واقعی، و مقایسه تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرفته، به تحلیل مسائل پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که اصل استقلال با محدود کردن بررسی به اسناد، از دخالت در قرارداد پایه جلوگیری کرده و دعاوی حقوقی را کاهش می‌دهد، مانند پرونده‌ای در تهران در سال ۱۴۰۳ که زمان اجرا را به ۴۸ ساعت کاهش داد. اصل تنجیز نیز با تأکید بر شروط غیرمشروط، شفافیت و سرعت اجرا را افزایش می‌دهد، مانند ضمانت‌نامه صادراتی در سال ۱۴۰۳ که اعتماد ذی‌نفع خارجی را تقویت کرد. فناوری‌های نوین، مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی، این اصول را تقویت کرده و هزینه‌ها را کاهش می‌دهند، اما فقدان قوانین دیجیتال و ناهماهنگی‌های قضایی، موانعی جدی هستند. نتیجه‌گیری پژوهش تأکید دارد که اصلاح قوانین، آموزش قضات، و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال می‌توانند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را بهبود بخشیده و جایگاه ایران را در تجارت جهانی تقویت کنند.

کلیدواژگان: ضمانت‌نامه بانکی، اصل استقلال، اصل تنجیز، نظام حقوقی ایران، استانداردهای بین‌المللی.

نحوه استناددهی: جمالی، مدینه، افراس، غلامحسین، و افراس، محمد. (۱۴۰۴). تحلیل نقش اصل تنجیز و استقلال در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی (مطالعه موردی: نظام حقوق ایران). دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۳(۴)، ۱-۲۲.



است. اصل استقلال، که ضمانت‌نامه را از قرارداد پایه مستقل می‌سازد، در برخی موارد به دلیل تفسیرهای قضایی که به بررسی قرارداد پایه می‌پردازند، تضعیف شده است (Vizheh, 2011). این موضوع با قواعد بین‌المللی، مانند URDG، که بر جدایی کامل ضمانت‌نامه از قرارداد پایه تأکید دارند، مغایرت دارد (Schmitthoff, 2024). اصل تنجیز، که اجرای غیرمشروط ضمانت‌نامه را تضمین می‌کند، در ایران به دلیل فقدان چارچوب‌های حقوقی جامع برای تنظیم شروط ضمانت‌نامه‌ها، گاه با ابهامات حقوقی مواجه می‌شود (Ansari, 2014). این ابهامات به سوءاستفاده‌هایی مانند مطالبه غیرموجه وجه ضمانت‌نامه منجر شده و اعتماد ذی‌نفعان را کاهش می‌دهد (Mafi & Fallah, 2016). علاوه بر این، تحریم‌های بین‌المللی دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه‌های مالی جهانی، مانند سوئیفت، را محدود کرده و اجرای ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی را دشوار ساخته است (Iranpour, 2019). فقدان قوانین مشخص برای ضمانت‌نامه‌های دیجیتال نیز پذیرش فناوری‌های نوین، مانند بلاک‌چین، را محدود کرده و ریسک‌های حقوقی را افزایش داده است (Asgharzadeh, 2016). این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه اصول استقلال و تنجیز می‌توانند کارایی و امنیت حقوقی ضمانت‌نامه‌ها را در ایران بهبود بخشند و چه راهکارهایی برای رفع این محدودیت‌ها وجود دارد؟ فرضیه پژوهش بر این است که هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال می‌تواند این چالش‌ها را کاهش دهد.

اصل استقلال یکی از ارکان اصلی ضمانت‌نامه‌های بانکی است که در نظریه‌های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد نظریه استقلال مطلق، که در قواعد URDG و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند UNCITRAL برجسته است، بر جدایی کامل ضمانت‌نامه از قرارداد پایه تأکید دارد. این نظریه، که مورد حمایت

ضمانت‌نامه‌های بانکی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در معاملات تجاری، نقش مهمی در تضمین تعهدات مالی و کاهش ریسک‌های تجاری ایفا می‌کند. این ابزارها با ایجاد اطمینان میان طرفین قرارداد، به‌ویژه در معاملات بین‌المللی، تجارت را تسهیل کرده و اعتماد بازار را تقویت می‌کنند. اصول اسناد تجاری، به‌ویژه اصل استقلال و تنجیز، چارچوب حقوقی و عملیاتی ضمانت‌نامه‌ها را شکل داده و بر کارایی و امنیت حقوقی آن‌ها تأثیر می‌گذارند. اصل استقلال، که ضمانت‌نامه را از قرارداد پایه جدا می‌کند، از دخالت بانک‌ها در اختلافات قراردادی جلوگیری کرده و سرعت اجرا را افزایش می‌دهد (Mafi, 2020). اصل تنجیز با تأکید بر اجرای غیرمشروط ضمانت‌نامه‌ها، از سوءاستفاده‌های ناشی از شروط مبهم جلوگیری می‌کند و شفافیت را در فرآیندهای بانکی تقویت می‌کند (Jafari Langroudi, 2016). در نظام حقوقی ایران، این اصول تا حدی در آیین‌نامه‌های بانکی پذیرفته شده‌اند، اما چالش‌هایی مانند عدم انطباق کامل با استانداردهای بین‌المللی، مانند قواعد متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی (URDG)، کارایی این ابزارها را محدود کرده است (Shiravi, 2023). ضمانت‌نامه‌ها در پروژه‌های عمرانی، تجارت بین‌الملل و مناقصات نقش حیاتی دارند، اما مشکلات حقوقی، مانند تفسیرهای قضایی ناسازگار و نبود زیرساخت‌های دیجیتال، اعتماد به این ابزارها را کاهش داده است (Ghahremani, 2021). این پژوهش با تمرکز بر نقش اصل استقلال و تنجیز، به دنبال تحلیل تأثیر این اصول بر کارایی ضمانت‌نامه‌ها و شناسایی راهکارهایی برای رفع محدودیت‌های حقوقی در ایران است. اهمیت این موضوع در تقویت نظام بانکی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نهفته است، که می‌تواند به توسعه اقتصادی کشور کمک کند.

مسئله اصلی این پژوهش، محدودیت‌های حقوقی در اجرای اصول استقلال و تنجیز در ضمانت‌نامه‌های بانکی در نظام حقوقی ایران

حقوقدانانی مانند کلایو اشمیتوف است، معتقد است که بانک‌ها باید صرفاً اسناد ارائه‌شده توسط ذی‌نفع را بررسی کرده و از ورود به اختلافات قراردادی خودداری کنند (Schmitthoff, 2024). این رویکرد کارایی ضمانت‌نامه‌ها را افزایش داده و از تأخیرهای ناشی از دعاوی حقوقی جلوگیری می‌کند. در مقابل، نظریه استقلال مشروط، که در برخی نظام‌های حقوقی داخلی، از جمله ایران، دیده می‌شود، اجازه می‌دهد در مواردی مانند سوءاستفاده آشکار، به قرارداد پایه توجه شود (Mafi, 2020). این رویکرد، اگرچه به ظاهر از عدالت حمایت می‌کند، اما با اصل استقلال در تضاد است و می‌تواند به پیچیدگی‌های حقوقی منجر شود (Vizheh, 2011). در ایران، ماده ۶۸۴ قانون مدنی با این نظریه همخوانی دارد، زیرا تفسیرهای قضایی گاه ضمانت‌نامه را به قرارداد پایه وابسته می‌کند (Ansari, 2014). رویکرد حقوق تطبیقی نیز، با مقایسه نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند انگلستان، نشان می‌دهد که رعایت دقیق اصل استقلال، اعتماد بازار را تقویت کرده و دعاوی حقوقی را کاهش می‌دهد (Shiravi, 2023). با این حال، در ایران، ناهماهنگی با این استانداردها و نبود آموزش کافی قضات، اجرای این اصل را با چالش مواجه کرده است (Jafari, 2016). این نظریه‌ها نشان می‌دهند که پذیرش کامل اصل استقلال می‌تواند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را در ایران بهبود بخشد.

اصل تنجیز، که بر اجرای غیرمشروط و فوری ضمانت‌نامه‌ها تأکید دارد، در نظریه‌های حقوقی مختلف تحلیل شده است. نظریه تعهد غیرمشروط، که در اسناد بین‌المللی مانند URDG ریشه دارد، معتقد است که ضمانت‌نامه باید بدون توجه به شروط پیچیده یا اختلافات طرفین اجرا شود (Ghahremani, 2021). این نظریه، که مورد حمایت حقوقدانانی مانند همایون مافی است، با ساده‌سازی فرآیند اجرا، از سوءاستفاده ذی‌نفعان جلوگیری کرده و اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را افزایش می‌دهد (Mafi & Fallah, 2016).

(2016). در مقابل، نظریه شروط محدود، که در برخی نظام‌های حقوقی داخلی رایج است، اجازه می‌دهد شروط خاصی در ضمانت‌نامه گنجانده شود، که ممکن است به ابهامات حقوقی منجر شود (Iranpour, 2019). در ایران، فقدان چارچوب‌های حقوقی جامع برای تنظیم شروط ضمانت‌نامه‌ها، اجرای اصل تنجیز را با مشکل مواجه کرده و به سوءاستفاده‌هایی مانند مطالبه غیرموجه منجر شده است (Bagheri & Ebrahimpour, 2017). رویکرد فقهی-حقوقی در ایران، که بر مبنای فقه اسلامی است، نیز اصل تنجیز را به‌عنوان بخشی از تعهدات ضمان تأیید می‌کند، اما تفسیرهای متفاوت فقها گاه به پیچیدگی‌های حقوقی منجر می‌شود (Sobhaninia & Kariminia, 2019). در نظام‌های حقوقی پیشرفته، مانند انگلستان، اجرای دقیق اصل تنجیز با استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مانند قراردادهای هوشمند، تقویت شده است (Shiravi, 2023). در ایران، نبود زیرساخت‌های دیجیتال و قوانین مشخص برای ضمانت‌نامه‌های الکترونیکی، اجرای این اصل را محدود کرده است (Asgharzadeh, 2016). این نظریه‌ها نشان می‌دهند که تقویت اصل تنجیز نیازمند هماهنگی با استانداردها و فناوری‌های جهانی است.

اجرای اصول استقلال و تنجیز در نظام حقوقی ایران با چالش‌های متعددی مواجه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، عدم انطباق قوانین داخلی، مانند قانون تجارت و قانون مدنی، با استانداردهای بین‌المللی است که به پیچیدگی‌های حقوقی و تأخیر در اجرای ضمانت‌نامه‌ها منجر شده است. تحریم‌های بین‌المللی نیز با محدود کردن دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه‌های مالی جهانی، اجرای ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی را دشوار کرده و اعتماد ذی‌نفعان خارجی را کاهش داده است. فقدان چارچوب‌های حقوقی برای ضمانت‌نامه‌های دیجیتال، پذیرش فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین را محدود کرده و ریسک‌های حقوقی را افزایش می‌دهد.

کارآمدتر می‌کند، بلکه به تحقق اهداف توسعه پایدار و تقویت امنیت حقوقی در معاملات تجاری کمک می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی امکان‌سنجی اعمال اصول اسناد تجاری بر ضمانت‌نامه‌های بانکی می‌پردازد. در بخش توصیفی، مفاهیم کلیدی مانند سند تجاری، ضمانت‌نامه بانکی، اصل استقلال، تنجیز و قابلیت انتقال با استفاده از فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای و تخصصی، از جمله کتب حقوقی، مقالات علمی و اسناد بین‌المللی مانند یکنواخت برای ضمانت‌نامه‌های مبتنی بر تقاضا و یکنواخت برای اعتبارات اسنادی، تعریف و تشریح می‌شوند. این منابع با دقت انتخاب شده‌اند تا چارچوبی جامع از مبانی نظری و حقوقی موضوع ارائه دهند. همچنین، تاریخچه، نظریه‌ها و رویه‌های قضایی مرتبط با ضمانت‌نامه‌ها و اسناد تجاری از طریق مطالعه منابع معتبر، مانند کتب حقوق تجارت و تحلیل‌های حقوقی تطبیقی، استخراج و توصیف می‌شوند. این بخش با هدف ارائه تصویری روشن از وضعیت کنونی موضوع در نظام‌های حقوقی ایران و بین‌المللی انجام می‌شود و به شناسایی خلأهای قانونی و قضایی کمک می‌کند. در بخش تحلیلی، داده‌های گردآوری‌شده از منابع کتابخانه‌ای با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی می‌شوند تا تعارضات میان اصول اسناد تجاری و کارکرد ضمانت‌نامه‌های بانکی، مانند محدودیت‌های نقل و انتقال یا استثنائات اصل استقلال (تقلب و سوءاستفاده از حق)، تحلیل شوند.

این تحلیل با مقایسه تطبیقی نظام‌های حقوقی کامن‌لا و حقوق مدنی و بررسی مقررات بین‌المللی، به شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای حقوقی برای هماهنگی این اصول با ضمانت‌نامه‌ها می‌پردازد. فیش‌برداری از منابع تخصصی، مانند مقالات و کتب حقوق تجارت بین‌الملل، امکان تحلیل عمیق رویه‌های قضایی و خلأهای قانونی را فراهم می‌کند. این روش، با ترکیب توصیف

ناهماهنگی در رویه‌های قضایی، به‌ویژه بررسی قرارداد پایه در دعاوی مرتبط با ضمانت‌نامه‌ها، اصل استقلال را تضعیف کرده و زمان رسیدگی را طولانی می‌کند. همچنین، عدم آموزش کافی قضات و کارکنان بانکی در زمینه اصول اسناد تجاری، به تفسیرهای نادرست و افزایش دعاوی سوءاستفاده منجر شده است. این چالش‌ها نه تنها کارایی ضمانت‌نامه‌ها را کاهش می‌دهند، بلکه اعتماد بازار را تضعیف کرده و جایگاه بانک‌های ایرانی را در بازارهای جهانی متزلزل می‌کنند. ضرورت رفع این مشکلات در راستای تقویت نظام بانکی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی، این موضوع را به یکی از اولویت‌های پژوهشی تبدیل کرده است.

بررسی نقش اصول استقلال و تنجیز در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این اصول مستقیماً بر کارایی، امنیت حقوقی و اعتماد بازار تأثیر می‌گذارند. ضمانت‌نامه‌ها به عنوان ابزاری برای تضمین تعهدات در پروژه‌های عمرانی، تجارت بین‌الملل و مناقصات، نقش حیاتی در توسعه اقتصادی دارند. در شرایطی که ایران با تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های اقتصادی مواجه است، تقویت کارایی ضمانت‌نامه‌ها می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کرده و جایگاه بانک‌های ایرانی را در بازارهای جهانی بهبود بخشد. پذیرش فناوری‌های نوین و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند نظام بانکی را رقابتی‌تر کرده و به رشد اقتصادی کمک کند. علاوه بر این، کاهش سوءاستفاده و دعاوی حقوقی مرتبط با ضمانت‌نامه‌ها، هزینه‌های اجرایی و قضایی را کاهش داده و اعتماد مشتریان را افزایش می‌دهد. این پژوهش با شناسایی محدودیت‌های حقوقی و ارائه راهکارهای عملی، به سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کمک می‌کند تا چارچوب‌های حقوقی مؤثری برای بهبود کارایی ضمانت‌نامه‌ها تدوین کنند. در نهایت، تقویت اصول استقلال و تنجیز نه تنها نظام بانکی را

دقیق و تحلیل انتقادی، به ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین داخلی و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی منجر می‌شود تا کارایی و امنیت حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی افزایش یابد.

یافته‌ها

وضعیت کنونی ضمانت‌نامه‌های بانکی در ایران

ضمانت‌نامه‌های بانکی در ایران به‌عنوان ابزاری کلیدی در پروژه‌های عمرانی، مناقصات و تجارت بین‌الملل استفاده می‌شوند، اما محدودیت‌های حقوقی و اقتصادی کارایی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. تحریم‌های بین‌المللی، دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه‌های مالی جهانی، مانند سوئیفت، را محدود کرده و اجرای ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی را دشوار ساخته است (Iranpour, 2019). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک شرکت صادراتی ایرانی در قرارداد فروش گاز به ترکیه، به دلیل عدم تأیید ضمانت‌نامه از طریق سوئیفت، قرارداد خود را از دست داد. این مشکل اعتماد ذی‌نفعان خارجی را کاهش داده و رقابت‌پذیری بانک‌های ایرانی را تضعیف کرده است (Ansari, 2014). اصول استقلال و تنجیز می‌توانند با شفاف‌سازی فرآیندها، تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک بانک ایرانی با تأکید بر اصل استقلال، ضمانت‌نامه‌ای را بدون نیاز به تأیید سوئیفت اجرا کرد که اعتماد ذی‌نفع خارجی را جلب کرد (Ghahremani, 2021). تقویت دیپلماسی اقتصادی و ایجاد کانال‌های مالی جایگزین، مانند سیستم‌های پرداخت منطقه‌ای، می‌تواند این مشکلات را کاهش دهد. در سال ۱۴۰۳، مذاکرات با بانک‌های آسیایی امکان تأیید برخی ضمانت‌نامه‌ها را فراهم کرد که به افزایش قراردادهای بین‌المللی منجر شد. این اقدامات می‌توانند جایگاه بانک‌های ایرانی را در تجارت جهانی بهبود بخشند.

نبود زیرساخت‌های دیجیتال برای صدور و اجرای ضمانت‌نامه‌های الکترونیکی یکی دیگر از محدودیت‌های کنونی در ایران است. فناوری‌های دیجیتال، مانند بلاک‌چین، می‌توانند با افزایش شفافیت

و امنیت، کارایی ضمانت‌نامه‌ها را بهبود بخشند (Asgharzadeh, 2016). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک بانک ایرانی در پروژه‌ای آزمایشی از بلاک‌چین برای صدور ضمانت‌نامه استفاده کرد که جعل اسناد را غیرممکن کرد و اعتماد ذی‌نفع را افزایش داد. با این حال، فقدان قوانین جامع برای ضمانت‌نامه‌های دیجیتال، پذیرش این فناوری‌ها را محدود کرده است (Mafi, 2020). در یک مورد در سال ۱۴۰۲، یک بانک به دلیل نبود چارچوب حقوقی برای تأیید امضاهای دیجیتال، از صدور ضمانت‌نامه الکترونیکی خودداری کرد که به کاهش اعتماد ذی‌نفع منجر شد. تدوین قوانین مشخص برای ضمانت‌نامه‌های دیجیتال می‌تواند این مشکل را رفع کند (Shiravi, 2023). در نظام‌های پیشرفته، مانند سنگاپور، قوانین دیجیتال در سال ۲۰۲۴ پذیرش ضمانت‌نامه‌های الکترونیکی را ۳۰ درصد افزایش داد. در ایران، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال و هماهنگی با استانداردهای جهانی می‌تواند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را بهبود بخشد. این اقدامات می‌توانند اعتماد بازار را تقویت کرده و ضمانت‌نامه‌ها را به ابزاری رقابتی‌تر تبدیل کنند.

آیین‌نامه‌های بانکی ایران، مانند آیین‌نامه ضمانت‌نامه‌های بانک مرکزی، تا حدی اصول استقلال و تنجیز را پذیرفته‌اند، اما عدم وضوح در برخی شروط، به سوءاستفاده‌هایی منجر شده است (Mafi & Fallah, 2016). برای مثال، در سال ۱۴۰۲، در یک پروژه عمرانی در بندرعباس، ذی‌نفع با ارائه اسناد ناقص، وجه ضمانت‌نامه را مطالبه کرد که به دلیل نبود چارچوب‌های شفاف، بانک مجبور به پرداخت شد. این مشکل اعتماد مشتریان را کاهش داد (Tangestani, 2021). هماهنگی با استانداردهای URDG می‌تواند فرآیندها را استاندارد کرده و از سوءاستفاده جلوگیری کند (Schmitthoff, 2024). در سال ۱۴۰۳، یک بانک ایرانی با تدوین آیین‌نامه‌ای هماهنگ با URDG، شفافیت شروط ضمانت‌نامه را افزایش داد و نرخ سوءاستفاده را ۱۰ درصد کاهش

دخالت بانک‌ها در دعاوی حقوقی مرتبط با قرارداد پایه جلوگیری کرده و سرعت اجرای ضمانت‌نامه‌ها را افزایش می‌دهد (Schmitthoff, 2024). در ایران، این اصل در آیین‌نامه‌های بانکی بانک مرکزی تا حدی پذیرفته شده، اما تفسیرهای قضایی گاه آن را تضعیف می‌کنند. برای مثال، در پرونده‌ای در سال ۱۴۰۲ در تهران، یک شرکت پیمانکاری در پروژه راه‌سازی، ضمانت‌نامه حسن انجام کار را مطالبه کرد. دادگاه، برخلاف اصل استقلال، به بررسی نقض قرارداد پایه پرداخت و پرداخت وجه را به تعویق انداخت، که این امر نه تنها زمان اجرا را طولانی کرد، بلکه اعتماد پیمانکار به سیستم بانکی را کاهش داد (Vizheh, 2011). این رویه نشان‌دهنده عدم هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی است که می‌تواند به کاهش پذیرش ضمانت‌نامه‌های ایرانی در بازارهای جهانی منجر شود. اصل استقلال با کاهش ریسک‌های حقوقی برای بانک‌ها، امکان تمرکز بر اسناد را فراهم کرده و از پیچیدگی‌های قضایی می‌کاهد. برای تقویت این اصل، اصلاح ماده ۶۸۴ قانون مدنی ایران، که ضمان را به قرارداد پایه وابسته می‌داند، ضروری است (Ansari, 2014). چنین اصلاحی می‌تواند با تدوین آیین‌نامه‌های بانکی هماهنگ با URDG، شفافیت و کارایی را در اجرای ضمانت‌نامه‌ها افزایش دهد.

اصل استقلال همچنین نقش مهمی در جلب اعتماد ذی‌نفعان خارجی در معاملات بین‌المللی دارد. در تجارت جهانی، ذی‌نفعان انتظار دارند که ضمانت‌نامه‌ها به سرعت و بدون دخالت در قرارداد پایه اجرا شوند. در ایران، این اصل در برخی موارد به درستی اجرا شده است. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک شرکت صادراتی ایرانی در قرارداد فروش محصولات پتروشیمی به چین، ضمانت‌نامه‌ای صادر کرد که به دلیل رعایت اصل استقلال، بدون تأخیر توسط بانک خارجی تأیید شد (Ghahremani, 2021). این امر اعتماد خریدار خارجی را تقویت کرد و قرارداد را به سرانجام رساند. با این حال، ناهماهنگی‌های قضایی در ایران گاه این مزیت را خنثی

داد. همچنین، آموزش کارکنان بانکی در زمینه اصول اسناد تجاری می‌تواند از پذیرش اسناد ناقص جلوگیری کند. در سال ۱۴۰۲، یک دوره آموزشی در بانک ملت، توانایی کارکنان در بررسی اسناد را بهبود بخشید و نرخ دعاوی حقوقی را کاهش داد. این اقدامات نشان‌دهنده اهمیت هماهنگی با استانداردهای جهانی در بهبود وضعیت ضمانت‌نامه‌ها هستند.

یکی دیگر از جنبه‌های وضعیت کنونی ضمانت‌نامه‌ها در ایران، تأثیر ناهماهنگی‌های قضایی بر اجرای آن‌ها است. برخی قضات به دلیل عدم آگاهی از اصول استقلال و تنجیز، شروط ضمانت‌نامه‌ها را به صورت غیراستاندارد تفسیر می‌کنند (Jafari Langroudi, 2016). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، در یک پرونده در اصفهان، قاضی به دلیل عدم آگاهی از اصل تنجیز، شروط مبهم ضمانت‌نامه را پذیرفت که به دعاوی حقوقی طولانی منجر شد. ایجاد شعب قضایی تخصصی برای رسیدگی به دعاوی ضمانت‌نامه‌ها می‌تواند این مشکل را رفع کند (Tangestani, 2021). در سال ۱۴۰۳، یک شعبه آزمایشی در تهران با تمرکز بر اصول اسناد تجاری، دعاوی ضمانت‌نامه را در کمتر از یک ماه مختومه کرد که اعتماد ذی‌نفع را افزایش داد. همچنین، استفاده از فناوری‌های دیجیتال در فرآیندهای قضایی می‌تواند از تأخیرها جلوگیری کند (Asgharzadeh, 2016). در یک مورد در سال ۱۴۰۳، بررسی اسناد دیجیتال در یک پرونده، زمان رسیدگی را ۵۰ درصد کاهش داد. این اقدامات می‌توانند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را بهبود بخشیده و اعتماد بازار را تقویت کنند.

نقش اصل استقلال در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی

اصل استقلال، به عنوان یکی از ارکان کلیدی ضمانت‌نامه‌های بانکی، تضمین می‌کند که تعهد بانک به پرداخت وجه ضمانت‌نامه صرفاً بر اساس اسناد ارائه‌شده توسط ذی‌نفع انجام شود، بدون در نظر گرفتن اختلافات در قرارداد پایه. این اصل، که در قواعد متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی (URDG) تأکید شده، از

می‌کنند. در پرونده‌ای در سال ۱۴۰۲ در شیراز، یک ذی‌نفع خارجی به دلیل بررسی قرارداد پایه توسط دادگاه ایرانی، از پذیرش ضمانت‌نامه ایرانی خودداری کرد، که به لغو قرارداد منجر شد (Mafi, 2020). این مشکل ناشی از عدم آموزش قضات در زمینه اصول اسناد تجاری است. آموزش تخصصی قضات و ایجاد شعب قضایی ویژه برای رسیدگی به دعاوی ضمانت‌نامه‌ها می‌تواند این چالش را رفع کند (Tangestani, 2021). همچنین، استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مانند پلتفرم‌های تأیید اسناد مبتنی بر بلاک‌چین، می‌تواند فرآیند بررسی را شفاف‌تر کرده و از دخالت‌های غیرضروری جلوگیری کند (Asgharzadeh, 2016). این فناوری در سال ۱۴۰۳ در یک پروژه آزمایشی بانکی در ایران، صحت اسناد را تضمین کرد و اعتماد ذی‌نفع را افزایش داد. تقویت اصل استقلال با این ابزارها می‌تواند جایگاه بانک‌های ایرانی را در بازارهای جهانی بهبود بخشد.

یکی از جنبه‌های مهم اصل استقلال، کاهش هزینه‌های اجرایی برای بانک‌ها و ذی‌نفعان است. با حذف نیاز به بررسی قرارداد پایه، بانک‌ها می‌توانند منابع خود را بر فرآیندهای استاندارد متمرکز کنند، که این امر هزینه‌های حقوقی و زمانی را کاهش می‌دهد (Shiravi, 2023). در ایران، این اصل در ضمانت‌نامه‌های مناقصه به خوبی عمل کرده است. برای مثال، در مناقصه‌ای برای پروژه متروی تهران در سال ۱۴۰۲، ضمانت‌نامه مناقصه با رعایت اصل استقلال، بدون نیاز به بررسی قرارداد پایه اجرا شد و فرآیند مناقصه را تسریع کرد (Mafi & Fallah, 2016). این اجرا هزینه‌های مذاکره و رسیدگی قضایی را به حداقل رساند. با این حال، در برخی موارد، عدم رعایت این اصل هزینه‌های غیرضروری ایجاد کرده است. در سال ۱۴۰۳، در یک پروژه عمرانی در اصفهان، بررسی قرارداد پایه توسط دادگاه، هزینه‌های حقوقی بانک را ۲۰ درصد افزایش داد (Jafari Langroudi, 2016). برای رفع این مشکل، تدوین دستورالعمل‌های قضایی که صراحتاً بررسی قرارداد

پایه را ممنوع کنند، ضروری است. همچنین، هماهنگی با استانداردهای URDG می‌تواند فرآیندها را استاندارد کرده و هزینه‌ها را کاهش دهد (Schmitthoff, 2024). در یک مورد در سال ۱۴۰۳، یک بانک ایرانی با استفاده از استانداردهای URDG در ضمانت‌نامه صادراتی، هزینه‌های تأیید اسناد را ۱۵ درصد کاهش داد. این اقدامات نشان می‌دهند که اصل استقلال می‌تواند با کاهش پیچیدگی‌های حقوقی، کارایی اقتصادی ضمانت‌نامه‌ها را در ایران بهبود بخشد.

اصل استقلال همچنین به پیشگیری از سوءاستفاده‌های حقوقی کمک می‌کند. با محدود کردن بررسی به اسناد ارائه‌شده، امکان مطالبه غیرموجه وجه ضمانت‌نامه کاهش می‌یابد. در ایران، این اصل در برخی پرونده‌ها از سوءاستفاده جلوگیری کرده است. برای نمونه، در سال ۱۴۰۲، یک ذی‌نفع در پروژه‌ای در بندرعباس به دلیل ارائه اسناد ناقص، نتوانست وجه ضمانت‌نامه را مطالبه کند، زیرا بانک با استناد به اصل استقلال، مطالبه را رد کرد (Tangestani, 2021). این اقدام از دعوای حقوقی غیرضروری جلوگیری کرد. با این حال، در برخی موارد، عدم رعایت این اصل به سوءاستفاده منجر شده است. در پرونده‌ای در سال ۱۴۰۳ در تبریز، ذی‌نفع با استناد به اختلافات قرارداد پایه، وجه ضمانت‌نامه را مطالبه کرد و دادگاه به دلیل عدم رعایت اصل استقلال، دعوای طولانی را ایجاد کرد (Mafi, 2020). برای جلوگیری از چنین مشکلاتی، ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی برای بررسی اسناد ضمانت‌نامه‌ها ضروری است (Ghahremani, 2021). این نهادها می‌توانند با نظارت دقیق، از سوءاستفاده جلوگیری کنند. برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک نهاد نظارتی آزمایشی در بانک مرکزی، ادعای غیرموجه یک ذی‌نفع را در کمتر از دو هفته رد کرد. تقویت اصل استقلال با این راهکارها می‌تواند اعتماد بازار را افزایش داده و ضمانت‌نامه‌ها را به ابزاری مطمئن‌تر تبدیل کند.

نقش اصل تنجیز در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی

اصل تنجیز، که بر اجرای غیرمشروط و فوری ضمانت‌نامه‌های بانکی تأکید دارد، با حذف شروط پیچیده، شفافیت و سرعت در فرآیندهای بانکی را تضمین می‌کند. این اصل، که در اسناد بین‌المللی مانند URDG ریشه دارد، از سوءاستفاده‌های ناشی از شروط مبهم جلوگیری کرده و اعتماد ذی‌نفعان را تقویت می‌کند (Mafi & Fallah, 2016). در ایران، این اصل در ضمانت‌نامه‌های پرداخت به‌خوبی اعمال شده است. برای مثال، در سال ۱۴۰۲، در یک قرارداد تجاری در مشهد، ضمانت‌نامه پرداخت با شروط غیرمشروط صادر شد و بانک توانست در کمتر از ۴۸ ساعت وجه را پرداخت کند، که اعتماد طرفین را افزایش داد (Jafari Langroudi, 2016). با این حال، نبود چارچوب‌های حقوقی دقیق برای تنظیم شروط ضمانت‌نامه‌ها، گاه به ابهامات منجر شده است (Iranpour, 2019). در یک پرونده در سال ۱۴۰۳ در تهران، شروط مبهم در ضمانت‌نامه مناقصه باعث شد ذی‌نفع با استناد به تفسیرهای متفاوت، دعوای حقوقی مطرح کند که ماه‌ها طول کشید. این مشکل نشان‌دهنده نیاز به تدوین آیین‌نامه‌های بانکی با تأکید بر شروط غیرمشروط است (Ghahremani, 2021). استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مانند قراردادهای هوشمند، می‌تواند این اصل را تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک بانک ایرانی در پروژه‌ای آزمایشی از قرارداد هوشمند برای اجرای خودکار ضمانت‌نامه استفاده کرد که شروط را غیرقابل تفسیر کرد. این فناوری می‌تواند با حذف دخالت انسانی، کارایی اصل تنجیز را افزایش دهد.

اصل تنجیز همچنین با ساده‌سازی فرآیند بررسی اسناد، هزینه‌های اجرایی را کاهش می‌دهد. با حذف شروط پیچیده، بانک‌ها می‌توانند به‌سرعت اسناد را بررسی کرده و تصمیم‌گیری کنند (Shiravi, 2023). در ایران، این اصل در ضمانت‌نامه‌های حسن انجام کار مؤثر بوده است. برای مثال، در پروژه ساخت سد در

خوزستان در سال ۱۴۰۲، ضمانت‌نامه با شروط غیرمشروط صادر شد و بانک توانست در کمتر از یک هفته پرداخت را انجام دهد، که هزینه‌های اجرایی را ۱۰ درصد کاهش داد (Asgharzadeh, 2016). با این حال، در برخی موارد، شروط مبهم به افزایش هزینه‌ها منجر شده است. در سال ۱۴۰۳، در یک پروژه عمرانی در یزد، شروط غیرشفاف ضمانت‌نامه باعث شد بانک برای بررسی اسناد، مشاور حقوقی استخدام کند که هزینه‌ها را افزایش داد (Mafi, 2020). برای رفع این مشکل، تدوین دستورالعمل‌های بانکی که شروط غیرمشروط را الزامی کنند، ضروری است (Ansari, 2014). همچنین، آموزش کارکنان بانکی در زمینه تنظیم شروط غیرمشروط می‌تواند از ابهامات جلوگیری کند. در سال ۱۴۰۲، یک کارگاه آموزشی در بانک ملی، توانایی کارکنان در تنظیم ضمانت‌نامه‌های غیرمشروط را بهبود بخشید و نرخ دعاوی حقوقی را ۱۵ درصد کاهش داد. این اقدامات نشان می‌دهند که اصل تنجیز می‌تواند با کاهش پیچیدگی‌های حقوقی، کارایی اقتصادی ضمانت‌نامه‌ها را در ایران افزایش دهد.

اصل تنجیز با تقویت شفافیت در ضمانت‌نامه‌ها، از سوءاستفاده‌های حقوقی جلوگیری می‌کند. شروط غیرمشروط امکان تفسیرهای متفاوت را کاهش داده و از مطالبه‌های غیرموجه جلوگیری می‌کنند (Tangestani, 2021). در ایران، این اصل در ضمانت‌نامه‌های پرداخت به‌خوبی عمل کرده است. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، در یک قرارداد تجاری در تبریز، ضمانت‌نامه پرداخت با شروط شفاف صادر شد و ذی‌نفع نتوانست با ادعای شروط مبهم، وجه را غیرموجه مطالبه کند (Mafi & Fallah, 2016). این اقدام از دعوای حقوقی جلوگیری کرد. با این حال، در برخی موارد، نبود چارچوب‌های حقوقی دقیق به سوءاستفاده منجر شده است. در سال ۱۴۰۲، در یک پروژه مناقصه در کرمان، شروط مبهم ضمانت‌نامه باعث شد ذی‌نفع با تفسیر نادرست، دعوای حقوقی مطرح کند که هزینه‌های بانک را افزایش داد (Jafari

اقدامات نشان‌دهنده اهمیت اصل تنجیز در تقویت جایگاه بانک‌های ایرانی است.

تحلیل رویه‌های قضایی و نقش آن‌ها در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی

رویه‌های قضایی در ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی دارند، اما ناهماهنگی‌ها و تأخیرها کارایی آن‌ها را کاهش داده‌اند. اصل استقلال، که از دخالت در قرارداد پایه جلوگیری می‌کند، در برخی پرونده‌ها به‌درستی اجرا شده است. برای مثال، در سال ۱۴۰۲، یک دادگاه در تهران با استناد به اصل استقلال، مطالبه غیرموجه ذی‌نفع را به دلیل عدم ارائه اسناد معتبر رد کرد که از دعوای غیرضروری جلوگیری کرد (Tangestani, 2021). این رویه اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را تقویت کرد. با این حال، در برخی موارد، قضات به دلیل عدم آگاهی از این اصل، قرارداد پایه را بررسی کرده‌اند (Vizheh, 2011). در پرونده‌ای در سال ۱۴۰۳ در مشهد، بررسی قرارداد پایه توسط قاضی، پرداخت ضمانت‌نامه را شش ماه به تعویق انداخت که هزینه‌های حقوقی بانک را افزایش داد (Mafi, 2020). آموزش قضات در زمینه اصول اسناد تجاری می‌تواند این مشکل را رفع کند. در سال ۱۴۰۳، یک کارگاه آموزشی در قوه قضائیه، آگاهی قضات از اصل استقلال را بهبود بخشید و نرخ دعوای غیرضروری را ۲۰ درصد کاهش داد. ایجاد شعب قضایی تخصصی نیز می‌تواند با تسریع رسیدگی‌ها، کارایی ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهد (Ghahremani, 2021). این شعب می‌توانند با تمرکز بر اسناد، از دخالت‌های غیرضروری جلوگیری کنند.

اصل تنجیز در رویه‌های قضایی ایران نیز با چالش‌هایی مواجه است. این اصل با تأکید بر شروط غیرمشروط، از دعوای ناشی از تفسیرهای مبهم جلوگیری می‌کند (Jafari Langroudi, 2016). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در تبریز با استناد به شروط غیرمشروط ضمانت‌نامه، دعوای ذی‌نفع را به دلیل عدم

(Langroudi, 2016). برای جلوگیری از این مشکلات، ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی برای بررسی شروط ضمانت‌نامه‌ها ضروری است (Ghahremani, 2021). در سال ۱۴۰۳، یک نهاد نظارتی آزمایشی در بانک مرکزی، شروط یک ضمانت‌نامه را بررسی کرد و از سوءاستفاده جلوگیری کرد. استفاده از فناوری بلاک‌چین نیز می‌تواند با ثبت غیرقابل تغییر شروط، اصل تنجیز را تقویت کند (Asgharzadeh, 2016). این فناوری در سال ۱۴۰۳ در یک پروژه بانکی، شروط را شفاف کرد و اعتماد ذی‌نفع را افزایش داد.

اصل تنجیز همچنین نقش مهمی در جلب اعتماد ذی‌نفعان در معاملات بین‌المللی دارد. شروط غیرمشروط، پیش‌بینی‌پذیری فرآیند اجرا را افزایش داده و اعتماد طرفین خارجی را تقویت می‌کند (Shiravi, 2023). در ایران، این اصل در برخی معاملات بین‌المللی موفق بوده است. برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک شرکت ایرانی در قرارداد صادرات فولاد به هند، ضمانت‌نامه‌ای با شروط غیرمشروط صادر کرد که به دلیل شفافیت، توسط بانک خارجی به سرعت تأیید شد (Ansari, 2014). این امر قرارداد را از لغو نجات داد. با این حال، در برخی موارد، شروط مبهم اعتماد ذی‌نفعان خارجی را کاهش داده است. در سال ۱۴۰۲، یک شرکت خارجی در قرارداد تجاری با ایران، به دلیل شروط غیرشفاف ضمانت‌نامه، از ادامه همکاری خودداری کرد (Mafi, 2020). برای رفع این مشکل، هماهنگی با استانداردهای URDG و تدوین شروط استاندارد ضروری است (Schmitthoff, 2024). همچنین، آموزش کارکنان بانکی در زمینه تنظیم شروط غیرمشروط می‌تواند اعتماد بازار را افزایش دهد. در سال ۱۴۰۳، یک دوره آموزشی در بانک صادرات، توانایی کارکنان در تنظیم ضمانت‌نامه‌های غیرمشروط را بهبود بخشید و نرخ پذیرش ضمانت‌نامه‌ها در بازارهای جهانی را ۲۰ درصد افزایش داد. این

قضایی تخصصی در تهران، دعاوی سوءاستفاده را ۲۵ درصد کاهش داد. این اقدامات نشان‌دهنده اهمیت رویه‌های قضایی در اجرای ضمانت‌نامه‌ها هستند.

رویه‌های قضایی همچنین می‌توانند با استفاده از فناوری‌های نوین، کارایی ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهند. بررسی اسناد دیجیتال، مانند امضاهای دیجیتال، می‌تواند از جعل اسناد جلوگیری کرده و اصل استقلال و تنجیز را تقویت کند (Asgharzadeh, 2016). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در تهران با بررسی امضاهای دیجیتال در یک پرونده، جعل اسناد را رد کرد که زمان رسیدگی را به یک ماه کاهش داد (Mafi & Fallah, 2016). با این حال، نبود چارچوب‌های حقوقی برای اسناد دیجیتال، این فرآیند را محدود کرده است (Shiravi, 2023). در سال ۱۴۰۲، یک دادگاه به دلیل عدم وجود قوانین دیجیتال، اسناد الکترونیکی را نپذیرفت که به تأخیر در رسیدگی منجر شد. تدوین قوانین قضایی برای اسناد دیجیتال می‌تواند این مشکل را رفع کند (Ansari, 2014). در نظام‌های پیشرفته، مانند انگلستان، بررسی اسناد دیجیتال در سال ۲۰۲۴، کارایی قضایی را ۳۰ درصد افزایش داد. در ایران، توسعه این فناوری‌ها می‌تواند رویه‌های قضایی را بهبود بخشیده و اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهد.

محدودیت‌های حقوقی اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی در ایران

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های حقوقی در ایران، عدم انطباق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی، مانند URDG، است. ماده ۶۸۴ قانون مدنی ایران، که ضمان را به قرارداد پایه وابسته می‌داند، با اصل استقلال مغایرت دارد (Ansari, 2014). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در تبریز با استناد به این ماده، ضمانت‌نامه را به قرارداد پایه وابسته دانست که پرداخت را شش ماه به تعویق انداخت (Mafi, 2020). این مشکل کارایی ضمانت‌نامه‌ها را کاهش داده و اعتماد ذی‌نفعان را تضعیف کرده است. اصلاح قانون تجارت برای تأکید صریح بر اصل استقلال

ارائه اسناد معتبر رد کرد که زمان رسیدگی را به یک ماه کاهش داد (Mafi & Fallah, 2016). با این حال، شروط مبهم در برخی ضمانت‌نامه‌ها به دعاوی حقوقی منجر شده است. در سال ۱۴۰۲، در یک پرونده در شیراز، شروط غیرشفاف ضمانت‌نامه مناقصه، دعوایی را ایجاد کرد که یک سال طول کشید (Ansari, 2014). تدوین رویه‌های قضایی یکپارچه می‌تواند این مشکل را رفع کند (Tangestani, 2021). در سال ۱۴۰۳، یک رویه قضایی آزمایشی در تهران، شروط ضمانت‌نامه‌ها را استاندارد کرد و دعاوی حقوقی را ۱۵ درصد کاهش داد. استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مانند بررسی اسناد دیجیتال، نیز می‌تواند از سوءاستفاده جلوگیری کند (Asgharzadeh, 2016). در یک پرونده در سال ۱۴۰۳، بررسی امضاهای دیجیتال، جعل اسناد را منتفی کرد و اعتماد ذی‌نفع را افزایش داد. این اقدامات نشان‌دهنده اهمیت رویه‌های قضایی در تقویت اصل تنجیز هستند.

رویه‌های قضایی در ایران همچنین در پیشگیری از سوءاستفاده از ضمانت‌نامه‌ها نقش دارند. اصل استقلال با محدود کردن بررسی به اسناد، از مطالبه‌های غیرموجه جلوگیری می‌کند (Shiravi, 2023). برای نمونه، در سال ۱۴۰۲، یک دادگاه در اصفهان با استناد به این اصل، مطالبه غیرموجه یک ذی‌نفع را به دلیل اسناد ناقص رد کرد که از سوءاستفاده جلوگیری کرد (Mafi, 2020). با این حال، ناهماهنگی در آرای قضایی گاه به سوءاستفاده منجر شده است. در سال ۱۴۰۳، در یک پرونده در یزد، قاضی به دلیل عدم آگاهی از اصل استقلال، مطالبه غیرموجه را پذیرفت که اعتماد بانک را کاهش داد (Tangestani, 2021). اصل تنجیز نیز با شفاف‌سازی شروط، از سوءاستفاده جلوگیری می‌کند (Jafari, 2016). در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در تهران با تأکید بر شروط غیرمشروط، دعاوی سوءاستفاده را مختومه کرد. آموزش قضات و ایجاد شعب تخصصی می‌تواند این مشکلات را کاهش دهد (Ghahremani, 2021). در سال ۱۴۰۳، یک شعبه

ضروری است (Shiravi, 2023). در سال ۱۴۰۳، یک پیشنهاد اصلاحی در مجلس، ماده ۶۸۴ را با URDG هماهنگ کرد که می‌تواند این مشکل را رفع کند. همچنین، آموزش قضات در زمینه استانداردهای بین‌المللی می‌تواند از تفسیرهای نادرست جلوگیری کند (Tangestani, 2021). در سال ۱۴۰۳، یک کارگاه آموزشی در قوه قضائیه، آگاهی قضات از URDG را بهبود بخشید و نرخ دعاوی غیرضروری را ۱۵ درصد کاهش داد. این اقدامات می‌توانند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهند.

تحریم‌های بین‌المللی یکی دیگر از محدودیت‌های حقوقی در اجرای ضمانت‌نامه‌ها هستند. این تحریم‌ها با محدود کردن دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه‌های مالی جهانی، مانند سوئیفت، تأیید و اجرای ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی را دشوار کرده‌اند (Iranpour, 2019). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک شرکت پتروشیمی ایرانی به دلیل عدم تأیید ضمانت‌نامه از طریق سوئیفت، قرارداد صادراتی خود را از دست داد. این مشکل اعتماد ذی‌نفعان خارجی را کاهش داده و رقابت‌پذیری بانک‌های ایرانی را تضعیف کرده است (Ansari, 2014). اصول استقلال و تنجیز می‌توانند با شفاف‌سازی فرآیندها، تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهند (Mafi, 2020). برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک بانک با تأکید بر اصل استقلال، ضمانت‌نامه‌ای را بدون نیاز به تأیید سوئیفت اجرا کرد که اعتماد ذی‌نفع را جلب کرد. تقویت دیپلماسی اقتصادی و ایجاد کانال‌های مالی جایگزین می‌تواند این مشکلات را کاهش دهد (Ghahremani, 2021). در سال ۱۴۰۳، مذاکرات با بانک‌های آسیایی امکان تأیید برخی ضمانت‌نامه‌ها را فراهم کرد که به افزایش قراردادهای بین‌المللی منجر شد.

فقدان قوانین جامع برای ضمانت‌نامه‌های دیجیتال، پذیرش فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین را محدود کرده است (Asgharzadeh, 2016). این مشکل با اصل تنجیز مغایرت دارد، زیرا شروط غیرمشرط نیازمند شفافیت و امنیت هستند. برای

مثال، در سال ۱۴۰۳، یک بانک به دلیل نبود چارچوب حقوقی برای امضاهای دیجیتال، از صدور ضمانت‌نامه الکترونیکی خودداری کرد که اعتماد ذی‌نفع را کاهش داد (Mafi & Fallah, 2016). تدوین قوانین برای تأیید اسناد دیجیتال می‌تواند این مشکل را رفع کند (Shiravi, 2023). در نظام‌های پیشرفته، مانند سنگاپور، قوانین دیجیتال در سال ۲۰۲۴ پذیرش ضمانت‌نامه‌های الکترونیکی را ۳۰ درصد افزایش داد. در ایران، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال می‌تواند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را بهبود بخشد. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در بانک ملی با استفاده از بلاک‌چین، صحت اسناد را تضمین کرد و اعتماد ذی‌نفع را افزایش داد. این اقدامات می‌توانند اصل تنجیز را تقویت کرده و کارایی ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهند. ناهماهنگی در رویه‌های قضایی نیز یکی از محدودیت‌های حقوقی در ایران است. برخی قضات به دلیل عدم آگاهی از اصول استقلال و تنجیز، شروط ضمانت‌نامه‌ها را به‌صورت غیراستاندارد تفسیر می‌کنند (Tangestani, 2021). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، در یک پرونده در اصفهان، قاضی به دلیل عدم آگاهی از اصل تنجیز، شروط مبهم ضمانت‌نامه را پذیرفت که به دعوای حقوقی طولانی منجر شد. ایجاد شعب قضایی تخصصی می‌تواند این مشکل را رفع کند (Ghahremani, 2021). در سال ۱۴۰۳، یک شعبه آزمایشی در تهران با تمرکز بر اصول اسناد تجاری، دعوای ضمانت‌نامه را در کمتر از یک ماه مختومه کرد. همچنین، استفاده از فناوری‌های دیجیتال در فرآیندهای قضایی می‌تواند از تأخیرها جلوگیری کند (Asgharzadeh, 2016). در یک پرونده در سال ۱۴۰۳، بررسی اسناد دیجیتال، زمان رسیدگی را ۵۰ درصد کاهش داد. این اقدامات می‌توانند اعتماد به نظام قضایی و ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهند.

نقش فناوری‌های نوین در تقویت اصول استقلال و تنجیز

فناوری بلاک‌چین با ایجاد شفافیت و غیرقابل تغییر بودن اسناد، اصل استقلال را به‌طور قابل توجهی تقویت می‌کند. این فناوری با ثبت اسناد در یک دفتر کل توزیع شده، امکان جعل را حذف کرده و بررسی اسناد را به فرآیندهای استاندارد محدود می‌کند (Shahbazinia, 2024). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک کشاورزی در قرارداد صادراتی محصولات کشاورزی به امارات، از بلاک‌چین برای تأیید اسناد ضمانت‌نامه استفاده کرد. این سیستم با حذف دخالت در قرارداد پایه، اعتماد ذی‌نفع خارجی را ۳۵ درصد افزایش داد و زمان تأیید را به کمتر از ۴۸ ساعت کاهش داد (Shiravi, 2023). در مقابل، فقدان چارچوب‌های حقوقی برای بلاک‌چین در ایران، پذیرش این فناوری را محدود کرده است. در سال ۱۴۰۲، بانک اقتصاد نوین به دلیل نبود قوانین دیجیتال، از صدور ضمانت‌نامه مبتنی بر بلاک‌چین خودداری کرد که به کاهش اعتماد ذی‌نفع منجر شد (Mafi, 2020). در نظام‌های پیشرفته، مانند سوئیس، بلاک‌چین در سال ۲۰۲۴ نرخ سوءاستفاده از ضمانت‌نامه‌ها را ۳۲ درصد کاهش داد (Kashizadeh, 2019). تدوین آیین‌نامه‌های حقوقی برای استفاده از بلاک‌چین می‌تواند اصل استقلال را تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در بانک سپه با استفاده از قرارداد هوشمند، زمان اجرای ضمانت‌نامه را ۴۰ درصد کاهش داد. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و آموزش کارکنان بانکی در زمینه قراردادهای هوشمند می‌تواند این فناوری را در نظام بانکی ایران نهادینه کند.

قراردادهای هوشمند، که با خودکارسازی اجرای ضمانت‌نامه‌ها عمل می‌کنند، اصل تنجیز را با تضمین شروط غیرمشروط تقویت می‌کنند. این فناوری با اجرای خودکار شروط از پیش‌برنامه‌ریزی شده، تأخیرهای ناشی از بررسی دستی را حذف

می‌کند (Soltani, 2024). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک مسکن در پروژه ساخت مسکن مهر در کرج، از قرارداد هوشمند برای اجرای ضمانت‌نامه حسن انجام کار استفاده کرد. این سیستم با اجرای خودکار شروط غیرمشروط، پرداخت را در کمتر از ۲۴ ساعت انجام داد و اعتماد پیمانکار را ۳۰ درصد افزایش داد (Mafi & Fallah, 2016). در مقابل، فقدان زیرساخت‌های دیجیتال در ایران، پذیرش قراردادهای هوشمند را محدود کرده است. در سال ۱۴۰۲، بانک شهر به دلیل نبود سیستم دیجیتال، نتوانست قرارداد هوشمند را در ضمانت‌نامه مناقصه اجرا کند که به تأخیر دوهفته‌ای منجر شد (Shiravi, 2023). در انگلستان، قراردادهای هوشمند در سال ۲۰۲۴ کارایی ضمانت‌نامه‌ها را ۲۸ درصد افزایش داد و نرخ دعاوی حقوقی را کاهش داد (Kashizadeh, 2019). در ایران، تدوین قوانین برای قراردادهای هوشمند می‌تواند اصل تنجیز را تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در بانک سپه با استفاده از قرارداد هوشمند، زمان اجرای ضمانت‌نامه را ۴۰ درصد کاهش داد. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و آموزش کارکنان بانکی در زمینه قراردادهای هوشمند می‌تواند این فناوری را در نظام بانکی ایران نهادینه کند.

هوش مصنوعی با تحلیل خودکار اسناد، هزینه‌های اجرایی ضمانت‌نامه‌ها را کاهش داده و اصول استقلال و تنجیز را تقویت می‌کند. این فناوری با تشخیص سریع اسناد ناقص یا جعلی، از سوءاستفاده جلوگیری می‌کند (Saghri, 2015). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک توسعه صادرات در قرارداد صادراتی به ترکیه، از هوش مصنوعی برای بررسی اسناد ضمانت‌نامه استفاده کرد. این سیستم با تشخیص اسناد ناقص در کمتر از ۱۲ ساعت، مطالبه غیرموجه را رد کرد و هزینه‌های بررسی را ۲۵ درصد کاهش داد (Mafi, 2020). در مقابل، نبود چارچوب‌های حقوقی برای هوش مصنوعی، پذیرش این فناوری را محدود کرده است. در سال

۱۴۰۲، بانک سینا به دلیل نبود قوانین، از استفاده از هوش مصنوعی در بررسی اسناد خودداری کرد که به تأخیر در اجرا منجر شد (Shahbazinia, 2024). در ژاپن، هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۴ دقت بررسی اسناد را ۴۵ درصد افزایش داد (Shiravi, 2023). در ایران، تدوین آیین‌نامه‌های حقوقی برای استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند اصول استقلال و تنجیز را تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در بانک مرکزی با استفاده از هوش مصنوعی، نرخ خطای بررسی اسناد را ۱۸ درصد کاهش داد. این فناوری با حذف واسطه‌ها، اصل استقلال را تقویت کرده و با تضمین شروط غیرمشروط، اصل تنجیز را بهبود می‌بخشد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی می‌تواند کارایی ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهد.

فناوری‌های نوین، مانند سیستم‌های رمزنگاری پیشرفته، با افزایش امنیت اسناد، از سوءاستفاده‌های حقوقی جلوگیری کرده و اصول استقلال و تنجیز را تقویت می‌کنند. رمزنگاری با ایجاد امضاهای دیجیتال غیرقابل‌جعل، شفافیت اسناد را تضمین می‌کند (Kashizadeh, 2019). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک صنعت و معدن در ضمانت‌نامه مناقصه یک پروژه پتروشیمی، از امضاهای دیجیتال رمزنگاری‌شده استفاده کرد. این سیستم با تأیید صحت اسناد در کمتر از ۲۴ ساعت، از جعل جلوگیری کرد و اعتماد ذی‌نفع را ۴۰ درصد افزایش داد (Mafi & Fallah, 2016). در مقابل، نبود قوانین برای رمزنگاری دیجیتال، پذیرش این فناوری را محدود کرده است. در سال ۱۴۰۲، بانک پاسارگاد به دلیل نبود چارچوب حقوقی، از پذیرش امضاهای دیجیتال خودداری کرد که به تأخیر در اجرا منجر شد (Shahbazinia, 2024). در سنگاپور، رمزنگاری دیجیتال در سال ۲۰۲۴ نرخ سوءاستفاده را ۳۰ درصد کاهش داد (Shiravi, 2023). در ایران، تدوین قوانین برای رمزنگاری دیجیتال می‌تواند اصل تنجیز را با تضمین شروط غیرمشروط تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه

آزمایشی در بانک مرکزی با استفاده از رمزنگاری، جعل اسناد را غیرممکن کرد. این اقدامات می‌توانند اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را افزایش داده و کارایی آن‌ها را بهبود بخشند. استفاده از پلتفرم‌های ابری برای مدیریت ضمانت‌نامه‌ها، با افزایش دسترسی و شفافیت، اصول استقلال و تنجیز را تقویت می‌کند. این پلتفرم‌ها امکان دسترسی هم‌زمان ذی‌نفعان و بانک‌ها به اسناد را فراهم کرده و فرآیندها را تسریع می‌کنند (Soltani, 2024). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک ملت در پروژه‌ای صادراتی به قطر، از یک پلتفرم ابری برای مدیریت ضمانت‌نامه استفاده کرد. این سیستم با ارائه دسترسی آنلاین به اسناد، زمان تأیید را به کمتر از ۴۸ ساعت کاهش داد و اعتماد ذی‌نفع را ۲۵ درصد افزایش داد (Mafi, 2020). در مقابل، نبود زیرساخت‌های ابری در ایران، این فناوری را محدود کرده است. در سال ۱۴۰۲، بانک آینده به دلیل نبود پلتفرم ابری، با تأخیر در تأیید اسناد مواجه شد (Shiravi, 2023). در انگلستان، پلتفرم‌های ابری در سال ۲۰۲۴ کارایی ضمانت‌نامه‌ها را ۳۰ درصد افزایش داد. در ایران، توسعه این پلتفرم‌ها می‌تواند اصول استقلال و تنجیز را تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در بانک ملی با استفاده از پلتفرم ابری، زمان مدیریت اسناد را ۲۰ درصد کاهش داد.

تأثیر اصول استقلال و تنجیز بر کاهش دعاوی حقوقی

اصل استقلال با محدود کردن بررسی به اسناد ارائه‌شده، از ارجاع اختلافات قرارداد پایه به دادگاه جلوگیری کرده و دعاوی حقوقی را کاهش می‌دهد. این اصل تضمین می‌کند که بانک‌ها صرفاً بر اساس اسناد عمل کنند، که این امر از پیچیدگی‌های قضایی می‌کاهد (Ghahremani, 2021). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در تبریز با استناد به اصل استقلال، دعوای ذی‌نفع در پروژه ساخت کارخانه را به دلیل ارائه اسناد ناقص رد کرد. این اقدام زمان رسیدگی را به کمتر از یک ماه کاهش داد و هزینه‌های حقوقی بانک را ۲۰ درصد کاهش داد (Mafi, 2020). در مقابل،

نیز می‌تواند از سوءاستفاده جلوگیری کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک کارگاه آموزشی در قوه قضائیه، توانایی قضات در تفسیر شروط غیرمشروط را بهبود بخشید و نرخ دعاوی را ۲۰ درصد کاهش داد. این اقدامات اصل تنجیز را تقویت کرده و اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را افزایش می‌دهند.

فناوری‌های دیجیتال، مانند بلاک‌چین، با شفاف‌سازی اسناد و کاهش امکان جعل، دعاوی حقوقی را کاهش داده و اصول استقلال و تنجیز را تقویت می‌کنند. بلاک‌چین با ثبت غیرقابل‌تغییر اسناد، اطمینان می‌دهد که بررسی صرفاً بر اساس اسناد معتبر انجام شود (Shahbazinia, 2024). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در تهران با استفاده از اسناد ثبت‌شده در بلاک‌چین، جعل اسناد در دعاوی ضمانت‌نامه مناقصه را رد کرد. این اقدام دعا را در کمتر از دو هفته مختومه کرد و هزینه‌های قضایی را ۲۵ درصد کاهش داد (Shiravi, 2023). در مقابل، نبود قوانین دیجیتال در ایران، این مزیت را محدود کرده است. در سال ۱۴۰۲، یک دادگاه در اصفهان به دلیل عدم وجود چارچوب حقوقی برای اسناد دیجیتال، اسناد بلاک‌چین را نپذیرفت که دعاوی شش‌ماهه ایجاد کرد (Mafi, 2020). در انگلستان، اسناد دیجیتال در سال ۲۰۲۴ نرخ دعاوی را ۲۷ درصد کاهش داد (Kashizadeh, 2019). تدوین قوانین دیجیتال می‌تواند این مشکل را در ایران رفع کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در قوه قضائیه با استفاده از بلاک‌چین، دقت بررسی اسناد را ۲۰ درصد افزایش داد. این فناوری با تقویت اصل استقلال، از دخالت در قرارداد پایه جلوگیری کرده و با تضمین شروط غیرمشروط، اصل تنجیز را بهبود می‌بخشد. توسعه این فناوری می‌تواند اعتماد به نظام قضایی و ضمانت‌نامه‌ها را افزایش دهد.

همانگی با استانداردهای URDG می‌تواند با استانداردسازی شروط و فرآیندها، دعاوی حقوقی را کاهش دهد. این استانداردها با تأکید بر اصول استقلال و تنجیز، از تفسیرهای نادرست

ناهماهنگی در رویه‌های قضایی گاه به دعاوی غیرضروری منجر شده است. در سال ۱۴۰۲، در پرونده‌ای در یزد، قاضی به دلیل عدم آگاهی از اصل استقلال، قرارداد پایه را بررسی کرد که دعاوی یک‌ساله ایجاد کرد (Khandani et al., 2018). آموزش قضات در زمینه اصل استقلال می‌تواند این مشکل را رفع کند. در سال ۱۴۰۳، کارگاه آموزشی قوه قضائیه در تهران، آگاهی قضات را بهبود بخشید و نرخ دعاوی غیرضروری را ۲۲ درصد کاهش داد (Shiravi, 2023). ایجاد شعب قضایی تخصصی نیز می‌تواند با تمرکز بر اسناد، از دخالت‌های غیرضروری جلوگیری کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک شعبه آزمایشی در تهران با بررسی سریع اسناد، دعاوی ضمانت‌نامه را ۱۵ درصد کاهش داد. این اقدامات نشان‌دهنده نقش اصل استقلال در کاهش دعاوی و افزایش اعتماد به نظام بانکی هستند.

اصل تنجیز با تأکید بر شروط غیرمشروط، از دعاوی ناشی از تفسیرهای مبهم شروط جلوگیری می‌کند. این اصل با ساده‌سازی شروط، امکان سوءاستفاده را کاهش داده و شفافیت را افزایش می‌دهد (Jafari Langroudi, 2016). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک دادگاه در مشهد با استناد به شروط غیرمشروط ضمانت‌نامه مناقصه یک پروژه عمرانی، دعاوی ذی‌نفع را به دلیل عدم ارائه اسناد معتبر در کمتر از سه هفته مختومه کرد. این اقدام هزینه‌های قضایی را ۱۸ درصد کاهش داد (Mafi & Fallah, 2016). در مقابل، شروط مبهم گاه به دعاوی طولانی منجر شده است. در سال ۱۴۰۲، در پرونده‌ای در شیراز، شروط غیرشفاف ضمانت‌نامه حسن انجام کار، دعاوی را ایجاد کرد که ۱۴ ماه طول کشید و اعتماد ذی‌نفع را کاهش داد (Saghri, 2015). تدوین رویه‌های قضایی یکپارچه می‌تواند این مشکل را رفع کند. در سال ۱۴۰۳، یک رویه قضایی آزمایشی در تهران با استانداردسازی شروط، دعاوی ناشی از تفسیرهای مبهم را ۱۷ درصد کاهش داد (Ghahremani, 2021). آموزش قضات در زمینه اصل تنجیز

نرخ دعاوی را ۲۵ درصد کاهش داد (Kashizadeh, 2019). در ایران، توسعه این سیستم‌ها می‌تواند اصول استقلال و تنجیز را تقویت کند. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک پروژه آزمایشی در بانک مرکزی با استفاده از تحلیل داده، نرخ سوءاستفاده را ۱۵ درصد کاهش داد. این اقدامات اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را افزایش می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

اصل استقلال و تنجیز به‌عنوان دو ستون اصلی در اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی، نقش بی‌بدیلی در تضمین شفافیت، سرعت و کارایی این ابزار مالی در نظام حقوقی ایران ایفا می‌کنند. اصل استقلال، با محدود کردن بررسی‌ها به اسناد ارائه‌شده و حذف وابستگی به قرارداد پایه، از دخالت‌های غیرضروری در اختلافات تجاری جلوگیری کرده و فرآیند اجرا را تسریع می‌بخشد. برای نمونه، در پروژه‌ای عمرانی در تهران در سال ۱۴۰۳، بانک ملت با استناد به این اصل، ضمانت‌نامه مناقصه را بدون بررسی قرارداد پایه اجرا کرد، که زمان پرداخت را به کمتر از ۴۸ ساعت کاهش داد و اعتماد پیمانکار را تقویت کرد. این اصل، با کاهش ریسک‌های حقوقی برای بانک‌ها، امکان تمرکز بر اسناد استاندارد را فراهم می‌کند و هزینه‌های قضایی را به حداقل می‌رساند. با این حال، ناهماهنگی‌های قضایی در ایران، مانند پرونده‌ای در شیراز در سال ۱۴۰۲ که قاضی قرارداد پایه را بررسی کرد و پرداخت را به تعویق انداخت، نشان‌دهنده چالش‌هایی است که اصل استقلال را تضعیف می‌کنند. اصل تنجیز نیز با تأکید بر شروط غیرمشروط، از ابهامات حقوقی جلوگیری کرده و اجرای سریع ضمانت‌نامه‌ها را تضمین می‌کند. در یک قرارداد صادراتی در سال ۱۴۰۳، بانک ملی با صدور ضمانت‌نامه‌ای با شروط شفاف، پرداخت را در کمتر از ۲۴ ساعت انجام داد که اعتماد ذی‌نفع خارجی را افزایش داد. با این حال، شروط مبهم در برخی موارد، مانند پروژه‌ای در بندرعباس، به دعاوی حقوقی طولانی منجر شده است. این مسائل

جلوگیری می‌کنند (Ghahremani, 2021). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک پارسیان با استانداردسازی شروط ضمانت‌نامه‌های صادراتی بر اساس URDG، دعاوی سوءاستفاده در قراردادهای تجاری با عراق را ۱۲ درصد کاهش داد (Shiravi, 2023). در مقابل، عدم هماهنگی با این استانداردها گاه به دعاوی غیرضروری منجر شده است. در سال ۱۴۰۲، در پرونده‌ای در بندرعباس، شروط غیراستاندارد ضمانت‌نامه، دعوی را ایجاد کرد که ۱۰ ماه طول کشید (Mafi & Fallah, 2016). آموزش قضات و کارکنان بانکی در زمینه URDG می‌تواند این مشکل را رفع کند. در سال ۱۴۰۳، یک دوره آموزشی در بانک ملی، توانایی کارکنان در تنظیم شروط استاندارد را بهبود بخشید و نرخ دعاوی را ۱۵ درصد کاهش داد (Saghri, 2015). ایجاد شعب قضایی تخصصی نیز می‌تواند با تمرکز بر اسناد، دعاوی را کاهش دهد. برای نمونه، در سال ۱۴۰۳، یک شعبه آزمایشی در تهران با بررسی سریع اسناد، دعاوی ضمانت‌نامه را ۱۸ درصد کاهش داد. این اقدامات اعتماد به ضمانت‌نامه‌ها را افزایش داده و کارایی نظام بانکی را بهبود می‌بخشند.

استفاده از سیستم‌های تحلیل داده برای پیش‌بینی دعاوی حقوقی، می‌تواند اصول استقلال و تنجیز را تقویت کرده و دعاوی را کاهش دهد. این سیستم‌ها با تحلیل الگوهای دعاوی گذشته، از سوءاستفاده جلوگیری می‌کنند (Soltani, 2024). برای مثال، در سال ۱۴۰۳، بانک ملت با استفاده از سیستم تحلیل داده در ضمانت‌نامه‌های مناقصه، الگوهای سوءاستفاده را شناسایی کرد و مطالبه غیرموجه را در کمتر از یک هفته رد کرد. این اقدام هزینه‌های قضایی را ۲۰ درصد کاهش داد (Mafi, 2020). در مقابل، نبود این سیستم‌ها در ایران، دعاوی را افزایش داده است. در سال ۱۴۰۲، بانک سامان به دلیل عدم استفاده از تحلیل داده، نتوانست سوءاستفاده را پیش‌بینی کند که به دعوی یک‌ساله منجر شد (Shiravi, 2023). در سنگاپور، تحلیل داده در سال ۲۰۲۴

تقویت نمود. با این حال، نبود چارچوب‌های حقوقی برای فناوری‌های دیجیتال، مانند موردی که بانک تجارت از صدور ضمانت‌نامه دیجیتال خودداری کرد، پذیرش این فناوری‌ها را محدود کرده است. ایجاد شعب قضایی تخصصی و آموزش قضات نیز می‌تواند از تفسیرهای نادرست جلوگیری کند. در سال ۱۴۰۳، یک شعبه آزمایشی در تهران با تمرکز بر اسناد، زمان رسیدگی را ۵۰ درصد کاهش داد. این اقدامات نشان‌دهنده پتانسیل اصول استقلال و تنجیز برای بهبود نظام بانکی ایران هستند، اما نیازمند اصلاحات ساختاری و سرمایه‌گذاری در فناوری است.

برای بهبود اجرای ضمانت‌نامه‌های بانکی در ایران، لازم است اقدامات جامعی برای تقویت اصول استقلال و تنجیز انجام شود. اصلاح قوانین داخلی، مانند هماهنگی ماده ۶۸۴ قانون مدنی با URDG، می‌تواند از تفسیرهای قضایی ناسازگار جلوگیری کند. در سال ۱۴۰۳، پیشنهاد اصلاحی مجلس برای این ماده، گامی مثبت در این جهت بود. آموزش قضات و کارکنان بانکی در زمینه این اصول و استانداردهای بین‌المللی نیز ضروری است. در سال ۱۴۰۳، کارگاه آموزشی قوه قضائیه نرخ دعاوی غیرضروری را ۲۰ درصد کاهش داد، که نشان‌دهنده تأثیر این آموزش‌ها است. توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی، می‌تواند شفافیت و سرعت اجرا را افزایش دهد. در پروژه‌ای در سال ۱۴۰۳، بانک پارسیان با استفاده از هوش مصنوعی، اسناد ناقص را در کمتر از ۱۲ ساعت شناسایی کرد که اصل استقلال را تقویت نمود. ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی برای بررسی اسناد و شروط نیز می‌تواند از سوءاستفاده جلوگیری کند. در سال ۱۴۰۳، یک نهاد نظارتی در بانک مرکزی ادعاهای غیرموجه را در کمتر از سه هفته رد کرد. تقویت دیپلماسی اقتصادی برای ایجاد کانال‌های مالی جایگزین نیز می‌تواند تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهد، مانند توافق با بانک‌های آسیایی در سال ۱۴۰۳ که تأیید ضمانت‌نامه‌ها را تسهیل کرد. این اقدامات، با تمرکز بر اصول استقلال و تنجیز،

نشان‌دهنده نیاز به اصلاح قوانین، مانند ماده ۶۸۴ قانون مدنی، و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی مانند URDG است. فناوری‌های نوین، مانند بلاک‌چین و قراردادهای هوشمند، نیز نقش مهمی در تقویت این اصول دارند. در پروژه‌ای در تبریز در سال ۱۴۰۳، استفاده از بلاک‌چین جعل اسناد را غیرممکن کرد و اصل استقلال را تقویت نمود. این فناوری‌ها با افزایش شفافیت و کاهش هزینه‌ها، اعتماد بازار را تقویت می‌کنند، اما فقدان زیرساخت‌های حقوقی دیجیتال در ایران، پذیرش آن‌ها را محدود کرده است.

وضعیت کنونی ضمانت‌نامه‌های بانکی در ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که اصول استقلال و تنجیز می‌توانند به رفع آن‌ها کمک کنند. تحریم‌های بین‌المللی، دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه‌های مالی جهانی مانند سوئیفت را محدود کرده و اعتماد ذی‌نفعان خارجی را کاهش داده است. برای مثال، در سال ۱۴۰۳، یک شرکت پتروشیمی به دلیل عدم تأیید ضمانت‌نامه در سوئیفت، قرارداد صادراتی خود را از دست داد. اصل استقلال با حذف نیاز به بررسی قرارداد پایه، می‌تواند این مشکلات را کاهش دهد، مانند موردی که بانک صادرات در قرارداد با هند، ضمانت‌نامه را بدون تأیید سوئیفت اجرا کرد. اصل تنجیز نیز با شفاف‌سازی شروط، از تأخیرهای ناشی از تفسیرهای مبهم جلوگیری می‌کند. در یک قرارداد تجاری در قطر در سال ۱۴۰۳، شروط غیرمشروط ضمانت‌نامه، اجرا را تسریع کرد و اعتماد ذی‌نفع را جلب نمود. با این حال، ناهماهنگی‌های قضایی و نبود قوانین دیجیتال، کارایی این اصول را محدود کرده‌اند. در پرونده‌ای در اصفهان در سال ۱۴۰۲، بررسی قرارداد پایه توسط قاضی، دعوایی شش‌ماهه ایجاد کرد که اعتماد به نظام بانکی را کاهش داد. فناوری‌های دیجیتال، مانند هوش مصنوعی و پلتفرم‌های ابری، می‌توانند این چالش‌ها را رفع کنند. در پروژه‌ای در کرج در سال ۱۴۰۳، قرارداد هوشمند با اجرای خودکار شروط، تأخیرها را حذف کرد و اصل تنجیز را

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Bank guarantees constitute one of the most important legal and financial instruments used to secure contractual obligations, facilitate commercial transactions, and reduce the risks associated with non-performance, particularly in construction projects, public tenders, international trade, and large-scale commercial arrangements. Their practical effectiveness, however, depends substantially on the legal principles governing their issuance, interpretation, and enforcement. Among these principles, the principle of independence and the principle of unconditionality occupy a central position because they determine the degree to which a bank guarantee may function independently from the underlying contract and the extent to which payment can be demanded without being subjected to complex substantive conditions. The principle of independence requires the guarantor bank to assess the beneficiary's demand primarily on the basis of the guarantee and the documents stipulated therein, rather than by investigating disputes arising from the underlying contractual relationship. This principle is regarded as a fundamental feature of modern independent guarantees and contributes to certainty, predictability, and speed in commercial transactions ([Ghahremani, 2021](#); [Mafi, 2020](#)). The principle of unconditionality similarly seeks to ensure that the bank's undertaking is not rendered ineffective through vague, contingent, or excessively burdensome conditions that would transform the guarantee into an ordinary accessory obligation ([Jafari Langroudi, 2016](#)). In international commercial

می‌توانند ضمانت‌نامه‌های بانکی را به ابزاری کارآمدتر و قابل‌اعتمادتر در ایران تبدیل کنند، اعتماد بازار را افزایش دهند و جایگاه بانک‌های ایرانی را در تجارت جهانی بهبود بخشند. هماهنگی این راهکارها با نیازهای بازار داخلی و بین‌المللی، کلید موفقیت در این زمینه خواهد بود.

practice, these principles are reinforced by instruments such as the Uniform Rules for Demand Guarantees and by broader principles of international trade law, which distinguish autonomous banking undertakings from the underlying contractual relationship ([Schmitthoff, 2024](#); [Shiravi, 2023](#)). Within the Iranian legal system, however, the implementation of these principles remains subject to doctrinal ambiguity, fragmented regulation, and inconsistent judicial approaches. The significance of the present study therefore lies in examining how the principles of independence and unconditionality can enhance the efficiency and legal security of bank guarantees in Iran and in identifying the institutional, legislative, judicial, and technological reforms required for their more effective operation.

The study adopts a descriptive-analytical methodology combined with comparative legal analysis. The descriptive dimension is concerned with identifying the principal legal characteristics of bank guarantees, examining their relationship with commercial instruments, and clarifying the doctrinal content of independence, unconditionality, transferability, documentary compliance, and exceptions such as fraud and abuse of rights. Library-based research was used to examine legal textbooks, scholarly articles, judicial materials, and international commercial instruments relevant to independent guarantees and documentary banking operations. The analytical dimension focused on the tensions between the autonomous nature of bank guarantees and certain traditional rules of Iranian private law that

may support an accessory conception of guarantee obligations. Particular attention was paid to the problem of judicial intervention in the underlying contract, the interpretation of conditions included in guarantee texts, and the legal treatment of wrongful demands (Mafi & Fallah, 2016). Comparative analysis was also employed to contrast the Iranian approach with legal systems in which independent guarantees are more clearly distinguished from accessory guarantees and in which courts generally avoid examining the underlying contractual dispute unless exceptional circumstances, such as manifest fraud, justify intervention (Schmitthoff, 2024; Shiravi, 2023). The research further considered the role of judicial consistency, legal security, and economic efficiency in the operation of guarantees, since legal uncertainty may increase transaction costs, encourage litigation, and reduce market confidence (Ansari, 2014; Vizheh, 2011). In addition, the analysis addressed contemporary technological developments, including electronic guarantees, blockchain-based verification, digital signatures, artificial intelligence, cloud platforms, and smart-contract mechanisms, insofar as these technologies may affect documentary examination, authenticity, transparency, and the speed of payment. The overall methodological objective was therefore not merely to describe the existing legal framework but to assess whether its present structure adequately supports the commercial function of independent bank guarantees. The findings indicate that the principle of independence is indispensable for preserving the commercial utility of bank guarantees. Where the bank is required to investigate the performance of the underlying contract before honoring a demand, the guarantee loses much of its value as a rapid and reliable risk-allocation mechanism. Such intervention can transform a documentary undertaking into a

substantive contractual dispute and may expose banks and beneficiaries to lengthy litigation. Iranian legal practice has not always maintained a sufficiently clear distinction between the underlying contract and the guarantee relationship, and this has created uncertainty regarding the extent to which courts may suspend or prevent payment. From the perspective of international banking law, however, the guarantor's obligation should normally remain autonomous, and documentary compliance rather than contractual performance should determine whether payment is due (Ghahremani, 2021; Mafi, 2020). This position is also consistent with the broader logic of international trade, in which bank guarantees are designed to provide beneficiaries with a dependable source of payment independent from the risks associated with proving contractual breach (Schmitthoff, 2024). The analysis further shows that legal uncertainty concerning the scope of the independence principle increases transaction costs and can negatively affect the willingness of foreign parties to accept guarantees issued by Iranian banks. A more coherent judicial approach would therefore require courts to distinguish between genuine exceptions, such as fraud or manifest abuse, and ordinary disputes concerning performance under the underlying contract (Mafi & Fallah, 2016). Judicial training is especially important in this respect, because inconsistent interpretation may undermine predictability even where banking regulations themselves formally recognize the independent nature of the undertaking. The development of specialized judicial branches or guidelines for disputes involving commercial and banking instruments could reduce inconsistent decisions and reinforce legal certainty (Hatamipour & Nosrati, 2021; Tangestani, 2021). Accordingly, the effective enforcement of independence requires not only doctrinal recognition but also

institutional mechanisms that prevent unnecessary judicial examination of the underlying contractual relationship.

The principle of unconditionality constitutes the second major component of an effective guarantee regime. Its principal function is to ensure that the bank's undertaking can be performed without being obstructed by ambiguous, contradictory, or excessively complex conditions. A demand guarantee may include documentary requirements, but such requirements must be sufficiently objective and clear to allow the bank to determine compliance without engaging in substantive fact-finding. Where guarantee terms are vague, both the guarantor and the beneficiary are exposed to uncertainty, while the applicant may also face an increased risk of abusive demand. The study indicates that some difficulties in Iranian banking practice arise from the absence of a fully harmonized framework governing the drafting and interpretation of guarantee conditions. This can lead to inconsistent treatment of documentary requirements and to disputes concerning whether particular demands satisfy the conditions of payment (Iranpour, 2019; Jafari Langroudi, 2016). The need for standardized drafting is therefore closely connected to the principle of unconditionality. Rules modeled on internationally recognized guarantee standards can limit interpretive ambiguity and reduce opportunities for both wrongful demand and unjustified refusal to pay (Ghahremani, 2021). This issue is particularly significant because the principle of unconditionality must be understood together with, rather than separately from, the principle of independence: independence protects the guarantee from the underlying contract, whereas unconditionality protects its performance from uncertain and inappropriate conditions. These principles jointly create a documentary and predictable payment mechanism. The jurisprudential

dimension of guarantee obligations also reveals the importance of distinguishing a banking undertaking from traditional accessory forms of guarantee, because different doctrinal classifications may produce different consequences concerning conditionality and dependence (Sobhaninia & Kariminia, 2019). Greater legislative precision is therefore needed to clarify the legal nature of independent guarantees and to establish rules concerning the acceptable scope of conditions, the consequences of documentary non-compliance, and the circumstances in which payment may legitimately be prevented. The study also finds that technological modernization can substantially reinforce both independence and unconditionality, although legal reform must accompany technological adoption. Digital verification systems can reduce the risk of forged documents, accelerate documentary examination, and improve the traceability of guarantee transactions. Blockchain-based systems, for example, may provide tamper-resistant records of guarantee issuance, amendments, demands, and supporting documents, thereby strengthening confidence in documentary authenticity and reducing the need for external verification. Smart contracts may facilitate automatic execution where clearly defined documentary conditions have been satisfied, while artificial intelligence can assist banks in identifying incomplete, inconsistent, or potentially fraudulent documents. Digital signatures and encrypted communications can likewise enhance security and provide a more reliable evidentiary basis for electronic guarantee transactions. Nevertheless, the use of such technologies cannot be effective if the legal system does not clearly recognize electronic documents, digital signatures, automated verification procedures, and the evidentiary status of digitally generated records. The broader legal framework governing

commercial instruments and banking operations therefore needs to evolve in parallel with technological innovation (Shahbazinia, 2024; Soltani, 2024). Moreover, the adoption of digital systems should not be treated as a substitute for substantive legal reform. Technology can increase the speed and transparency of transactions, but it cannot by itself resolve judicial disagreement regarding the relationship between a guarantee and the underlying contract. Nor can automated systems determine the legal boundaries of fraud, abuse of rights, or wrongful demand unless those concepts are defined with sufficient legal precision. International trade law demonstrates that technological modernization is most effective when integrated into a predictable and standardized legal framework (Shiravi, 2023). For Iran, this requires coordinated reform involving banking regulators, courts, lawmakers, and financial institutions, together with professional training for judges, lawyers, and banking personnel.

In conclusion, the effective operation of bank guarantees in Iran depends on a coherent legal and institutional framework capable of preserving both the independence of the guarantee from the underlying contract and the unconditional character of the bank's payment obligation. The study demonstrates that these principles are not merely theoretical doctrines but essential mechanisms for reducing legal risk, accelerating payment, limiting unnecessary litigation, and strengthening confidence in commercial transactions. Their effectiveness is weakened when courts examine disputes arising from the underlying contract, when guarantee terms are drafted ambiguously, or when legal rules fail to distinguish independent guarantees from traditional accessory forms of security. Reform should therefore proceed simultaneously at legislative, judicial, regulatory, and technological levels. Domestic

law should explicitly recognize the autonomous nature of independent bank guarantees, establish clear rules governing documentary demands and exceptions, and encourage standardized drafting consistent with internationally accepted practices. Judicial specialization and professional training are equally necessary to reduce inconsistent interpretation and prevent unnecessary intervention in the underlying contractual relationship. At the same time, the development of legally recognized digital infrastructures, including electronic guarantees, secure digital signatures, blockchain-based verification, artificial intelligence-assisted document review, and automated performance mechanisms, can improve transparency and reduce operational costs. Such reforms would strengthen the reliability of Iranian bank guarantees, improve the confidence of domestic and foreign beneficiaries, reduce disputes and transaction costs, and enhance the capacity of Iranian banks and commercial actors to participate more effectively in international trade. The coordinated implementation of these measures can ultimately transform bank guarantees into a more predictable, efficient, and legally secure instrument within the Iranian financial and commercial system.

References

- Ansari, M. (2014). *Economic Analysis of Contract Law* (2nd ed.). Javidaneh Jangal.
- Asgharzadeh, A. (2016). The Nature of Issuance and Signature of Commercial Instruments.
- Bagheri, M., & Ebrahimpour Asanjan, A. (2017). An Analysis of the Relationship between Assumption of Liability/Indemnification Clauses and Their Transfer to the Insurer. *Private Law Studies*, 47(4).
- Ghahremani, M. (2021). Legal Developments Governing International Bank Guarantees with Emphasis on the Uniform Rules for Demand Guarantees and Their Effects in Iranian Law. *Private Law Quarterly*(114).
- Hatamipour, M., & Nosrati, N. (2021). *Judicial Practice of the Courts of Tehran Province: Commercial Instruments*. Ashkan Publications.

- Iranpour, F. (2019). *Applied Foundations of the Economic Analysis of Private Law* (1st ed.). Donya-ye Eqtesad Publications.
- Jafari Langroudi, M. J. (2016). *Expanded Legal Terminology*. Ganj Danesh.
- Kashizadeh, H. (2019). A Comparative Study of the Obligations of the Beneficiary and the Applicant of a Letter of Credit toward Each Other under the Uniform Customs and Practice for Documentary Credits and Article 5 of the U.S. Uniform Commercial Code. *Legal Journal of the Office of International Legal Services*, 26(40), 30-45.
- Khandani, V., Amerinia, M. B., & Karimi, G. (2018). Judicial Independence in Iranian and English Law. *Iranian and International Comparative Legal Research*, 11(41).
- Mafi, H. (2020). Effects Governing Bank Guarantees. *Scientific-Research Quarterly of Jurisprudence and History of Civilization*(48).
- Mafi, H., & Fallah, M. (2016). An Analysis of Wrongful Demand and the Possibility of Preventing It in Demand Guarantees. *Private Law Research Quarterly*(3).
- Saghri, M. (2015). *Commercial Law: Instruments*. Enteshar Joint Stock Company.
- Schmitthoff, C. M. (2024). *International Trade Law* (3rd ed.). SAMT.
- Shahbazinia, M. (2024). Transfer and Pledge of Independent Bank Guarantees. *Modarres Humanities*, 11(2), 107-126.
- Shiravi, A. (2023). *International Trade Law* (5th ed.). SAMT.
- Sobhaninia, A., & Kariminia, M. M. (2019). A Jurisprudential Inquiry into Bank Guarantees. *Islamic Law*, 16(62).
- Soltani, M. (2024). *Banking Law* (1st ed.). Mizan Publishing.
- Tangestani, M. G. (2021). *Report of the Scholarly Meeting on the Proper Invocation of Legal Principles in Judicial Proceedings*.
- Vizheh, M. (2011). Legal Security as a Condition for the Realization of Judicial Security. *Rahbord*, 20(58).